



باراک اوباما در کتاب خاطراتش با عنوان «سرزمین موعود» تشریح کرده که راهبرد آمریکا چگونه پس از فتنه ۸۸ از مذاکره با ایران به اعمال تحریم‌های شدید تغییر پیدا کرد

# تحریم سبز



دوم استراتژی منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای را آغاز می‌کند: «بسیج جامعه جهانی برای اعمال تحریم‌های اقتصادی سخت و چندجانبه» که ممکن است ایران را مجبور به مذاکره با ۱+۵۰ بکند. اوباما نوشته: «مشکل این بود که تحریم‌های موجود خیلی ضعیف بودند و نمی‌توانستند تأثیر زیادی بگذارند. حتی متحدان آمریکایی مانند آلمان به تجارت با ایران ادامه می‌دادند و تقریباً همه نفت آن را خریداری کردند.» اوباما در ادامه به ماجرای تحریم‌های دولت جورج دبلیو بوش علیه تهران اشاره می‌کند و آنها را نمادین و سمبلیک می‌خواند. او نوشته: «به لطف بالا رفتن قیمت نفت در بازار عملاً تحریم‌های آمریکا کارکرد خود را از دست داده و اقتصاد ایران در حال رشد و شکوفا شدن بود. از این رو، تهران مذاکره را صرفاً فرصت و تعهدی برای ادامه گفت‌وگومی دانست و دولت وقت آمریکا کوشید متحدان خود را به گرفتن مواضع سخت‌تر در قبال تهران ترغیب و تشویق کند.» پس از این بود که به تعبیر غربی‌ها تحریم‌های فلج‌کننده علیه ایران اعمال شد و بازار ایران را در دی سال ۹۰ در شوک فروبرد.

## ملاقات با رئیس‌جمهور ایران

جدا از فصل ۱۹، اوباما در چند فصل دیگر نیز به ایران اشاراتی داشته است. او در فصل بیستم به چگونگی متحد کردن مدودف، رئیس‌جمهور روسیه در پرونده تحریم ایران اشاره می‌کند و می‌گوید که در نشست خصوصی در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل یک بمب اطلاعاتی را به مدودف داده است. او نوشته «ما کشف کردیم که ایران در آستانه تکمیل ساخت یک مرکز مخفی غنی‌سازی است که در اعماق کوه در نزدیکی شهر قم [فروود] دفن شده است.» اوباما به‌وی می‌گوید همه چیز نشان‌دهنده علاقه ایران در محافظت از فعالیت‌های خود از هر دوروش شناسایی و حمله، مغایر با یک برنامه غیرنظامی است. اوباما نوشته که پس از این اطلاعات، مدودف به جای تلاش برای دفاع از اقدامات ایران، ناامیدی خود را ابراز داشت و به‌ضرورت ارزیابی مجدد رویکرد ۱+۵۰ اعتراف کرد: «وی سپس در اظهارات عمومی فراتر رفت و به مطبوعات گفت: تحریم‌ها به‌ندرت به نتایج مثبتی منجر می‌شوند... اما در برخی موارد تحریم‌ها اجتناب‌ناپذیر است.» اوباما در فصل پنجم کتاب که به وقایع سال ۲۰۰۷ زمانی که برای انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۰۸ آمریکا رقابت می‌کرد نیز به نام ایران اشاره کرده و نوشته: «در مناظره ماه جولای، تصویر فیدل کاسترو، محمود احمدی‌نژاد رئیس‌جمهور ایران و کیم جونگ ایل رهبر کره شمالی و چند نفر دیگر را به من نشان دادند و سوال کردند که آیا من آماده هستم که با هر یک از آنها در نخستین سال ریاست جمهوری‌ام ملاقات کنم؟ بدون لحظه‌ای تردید گفتم بله، من با هر رهبری ملاقات می‌کنم، اگر که (این ملاقات) بتواند منافع آمریکا را پیش ببرد.» او نوشته: «زمانی که مناظره تمام شد، کلینتون، اودارد و برخی دیگر از کاندیداها مرا متهم به ساده‌لوحی کردند و گفتند که ملاقات با رئیس‌جمهور آمریکا امتیازی است که باید دیگران برای به‌دست آوردن آن تلاش کنند. به‌نظر می‌رسد بخش زیادی از اصحاب رسانه نیز با این نظر موافق بودند.» اوباما در فصل هشتم کتاب نیز اشاره‌ای به ایران دارد. او در کنار تعریفش از سفری که به افغانستان در سال ۲۰۰۸ داشته، گریزی به عراق می‌زند و از ایران هم نام می‌برد. اوباما به نوری المالکی که قرار بوده با او دیدار کند، اشاره کرده و می‌نویسد: «تلاش می‌کردم بین خواسته‌های بخش شیعه که باعث به قدرت رسیدنش شده بود یا خواسته‌های سنی‌ها که در دوران صدام بر کشور تسلط داشتند، تعادل برقرار کند و باید فشار وارده از طرف همسایه عراق یعنی ایران و نیز حامیان مالی آمریکایی را مدیریت می‌کرد.» اوباما می‌نویسد: «درحقیقت پیوندهای المالکی با ایران، جایی که سسال‌های تبعیدش را در آنجا گذرانده و همچنین ائتلاف نگران‌کننده‌ای که با برخی شبه‌نظامیان شیعه دارد، او را نزد عریستان سعودی و دیگر متحدان آمریکا در منطقه خلیج فارس منفرود کرده و در واقع مهر تأیید دیگری بر این مساله بود که حمله آمریکا به عراق چه میزان نفوذ راهبردی ایران را افزایش داده است.»

وی براساس استانداردهای ادبیات انقلابی خیلی تند نبود.» برنز می‌نویسد پس از دریافت پاسخ رهبر ایران و به‌رغم آنکه آیت‌الله خامنه‌ای پاسخ مشخصی به پیشنهاد مذاکره نداده بود، اما اوباما در نامه دوم پیشنهاد ایجاد یک کانال گفت‌وگوئی دوجانبه مشخص را می‌دهد و حتی نام تیم مذاکره‌کننده آمریکایی‌ها را هم در نامه به ایران می‌فرستد و بر این گفت‌وگوئی مستقیم تأکید می‌کند! این تیم ویلیام برنز و «پوینت تالور» از شورای امنیت ملی بودند. این اشتیاق

اشاره کرده که با بروز جنگ، جهش بزرگی در قیمت نفت، رخ می‌دهد و این جهش می‌تواند اقتصاد جهانی را درگیر خود کند. اوباما از سناریوهای متعدد سرنوشته درگیری با ایران سخن گفته و نوشته «در صورت بروز جنگ، تقریباً همه چیزهایی که او می‌خواسته به‌دست بیاورد، از بین می‌رفته.»

## فتنه و نامه‌نگاری ناتمام

به همین دلیل هم تیم اوباما تصمیم می‌گیرد، استراتژی دومرحله‌ای در قبال ایران را در دستور کار قرار دهد. او به‌جای جنگ، دیپلماسی را سرلوحه دستگاه سیاست خارجی خود قرار داد تا از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای جلوگیری کند. اوباما با اشاره به اینکه «از سال ۱۹۸۰ تقریباً هیچ ارتباط سطح بالایی بین ایران و آمریکا وجود نداشته است» نوشته: «در سخنرانی مراسم تحلیف گفته بودم ما می‌توانیم دست‌مان را سوسی کسانی دراز کنیم که علاقه دارند مشت‌هایشان را باز کنند. طی چند هفته از آغاز به کار، نامه‌ای محرمانه از طریق کانالی که با دیپلمات‌های ایرانی در سازمان ملل متحد داشتیم، برای آیت‌الله خامنه‌ای ارسال کردم و پیشنهاد دادم گفت‌وگوئی میان دو کشور را در مورد موضوعات مختلف از جمله برنامه هسته‌ای ایران آغاز کنیم. پاسخ [آیت‌الله] خامنه‌ای در یک نامه محرمانه بی‌برده بود: ایران هیچ علاقه‌ای به گفت‌وگو و مذاکره مستقیم ندارد. رام انوتول (رئیس وقت کارکنان کاخ سفید) وقتی متن نامه را دید، گفت «به گمان نمی‌خواهد به این زودی‌ها مشتش را باز کند.» پاسخ دوم آنقدر بازمی‌کند که به من انگشت [...] نشان بدهد.»

اوباما خیلی صریح نمی‌گوید در متن نامه به رهبر انقلاب چه نوشته است، اما پیش از او ویلیام برنز، دیپلمات سابق آمریکایی در کتاب خاطرات خود که به نام «کانال پشت‌پرده» تاریخچه دیپلماسی آمریکا و استدلالی برای احیای آن» نوشته، جزئیات بیشتری از این پیام را منتشر کرده است. او در فصل نهم کتابش نوشته: «در اوایل ماه می، رئیس‌جمهور [اوباما] نامه‌ای بلند و محرمانه برای آیت‌الله خامنه‌ای فرستاد. این نامه تلاش داشت تا طرفت زیادی به خرج دهد، پیام این نامه باید واضح می‌بود اما باید به‌شکلی نوشته می‌شد که در صورت درز کردن به بیرون، خیلی بحث‌برانگیز نباشد. او ادامه می‌دهد: «در نامه، اوباما بر کلیت پیام نوروزی خود تأکید کرد. او بر عزم راسخ خود مبنی بر جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای و حمایتش از موضع ۱+۵۰ مبنی بر اینکه ایران از یک برنامه هسته‌ای غیرنظامی برخوردار باشد، تصریح کرد. او همچنین تصریح کرد که سیاست دولت او پیگیری تغییر رژیم در ایران نیست و به آمادگی خود برای گفت‌وگوهای مستقیم اشاره کرد.» برنز در ادامه ضمن ارائه روایت خود از پاسخ رهبر انقلاب به نامه اوباما تصریح می‌کند: «با اینکه رهبر عالی ایران پاسخ مشخصی به پیشنهاد رئیس‌جمهور برای گفت‌وگوئی مستقیم نمی‌داد اما پاسخ

کمک به آمریکا در افغانستان را نادیده گرفتند و رئیس‌جمهور بوش در سخنرانی خود در سال ۲۰۰۲، ایران را همراه با عراق و کره شمالی به‌عنوان بخشی از «محور شرارت» نامید و پنجره دیپلماتیک موجود را به طور کامل بست.»

## رشد توسعه غنی‌سازی ایران

اوباما پس از این به دوران مسئولیت خودش اشاره می‌کند و مدعی می‌شود زمانی که او مسئولیتش را در مدار آغاز کرده، سلاح‌های ایرانی هنوز برای شبه‌نظامیانی که در عراق و افغانستان قصد کشتن سربازان آمریکایی را داشتند، همچنان ارسال می‌شد. او می‌نویسد: «حمله آمریکا به عراق، موقعیت استراتژیک ایران را در منطقه بسیار تقویت کرده بود.» اوباما در این کتاب با ابراز نگرانی از برنامه ربه و شتاب هسته‌ای ایران، آن را در حال تبدیل شدن به یک بحران می‌خواند و با اشاره به وجود برخی تاسیسات هسته‌ای از رژیم سابق و همچنین عضویت ایران در پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای سازمان ملل متحد که به ایران اجازه استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای را می‌داد، نوشته همان فناوری سانتریفیوژ مورد استفاده برای چرخش و غنی‌سازی اورانیوم با توان غنی‌سازی کم، می‌تواند برای تولید اورانیوم با درجه غنی‌سازی بسیار بالاتر به کار رود. او به نقل قولی از یکی از کارشناسان آمریکایی استناد می‌کند که گفته «با داشتن اورانیوم با غنای کافی، می‌تواند آموزش فیزیک دبیرستان نیز با دسترسی به اینترنت می‌تواند بمب تولید کند!» رئیس‌جمهور سابق آمریکا با اشاره به اینکه ایران بین سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۹، سانتریفیوژهای غنی‌سازی اورانیوم‌ش را از ۱۰۰ به ۵ هزار دستگاه افزایش داده است نوشته «جامعه اطلاعاتی آمریکا اطمینان داشت که ایران هنوز سلاح هسته‌ای ندارد، اما پنجره زمانی برای تولید اورانیوم کافی برای ساخت یک سلاح هسته‌ای را کاهش داده و به یک نقطه بالقوه خطرناک رسیده است.»

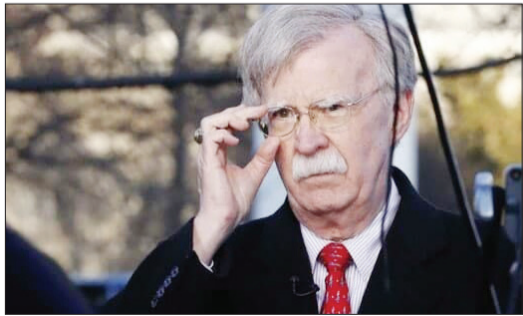
## سناریوهای ناامیدکننده جنگ با تهران

او به احتمال شکل‌گیری مسابقه تسلیحاتی در منطقه پس از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای اشاره کرده و نوشته که سعودی‌ها هم در واکنش به دنبال بمب هسته‌ای خواهند رفت و این مسابقه تسلیحات هسته‌ای را در بی‌ثبات‌ترین منطقه جهان آغاز می‌کند. از سوی دیگر «اسرائیل که طبق گزارش‌های خود تعداد زیادی سلاح هسته‌ای اعلام‌نشده را در اختیار دارد، ایران دارای سلاح هسته‌ای را تهدیدی جدی برای خود قلمداد می‌کند.» او از نقشه‌های تل‌آویو برای حمله پیشگیرانه علیه تاسیسات ایران نوشته و افزوده که هرگونه اقدام، واکنش یا اشیاء در محاسبه هر کدام از این طرف‌ها می‌تواند خاورمیانه و ایالات متحد- را در زمانی که ما هنوز ۱۸۰۰۰ سرباز در جوار مرزهای ایران داشتیم به درگیری دیگری بکشاند. او تلویحا

فرهنگستان را به جز دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا که هم خودش از انتشار کتاب‌هایش سود سرشاری کسب کرده و هم نویسندگانی که درباره او نوشته‌اند، سایر مقامات و شخصیت‌های آمریکایی تنها خودشان سودهای میلیون دلاری از نگارش کتاب‌هایشان را به جیب زده‌اند. یکی از این چهره‌ها، بزنی سندرز سناتور ایالت ورمونت است. او و همسرش در سال ۲۰۱۴، ۲۰۵ هزار دلار درآمد کسب کردند اما پس از کناره‌گیری از رقابت‌های ریاست‌جمهوری و نگارش کتاب «انقلاب ما» این درآمد به چند میلیون دلار افزایش یافت و سندرز را به یک میلیوئر آمریکایی تبدیل کرد. اما در بین مقامات رده‌بالای آمریکایی، باراک اوباما رئیس‌جمهور سابق آمریکا بیش از دیگران تلاش کرده بنویسد و از این طریق کسب درآمد کند. باراک اوباما پس از پیروزی در انتخابات ریاست‌جمهوری، با نگارش دو کتاب «رویاها ی پدرم» و «جسارت امید» درآمد قابل توجهی را کسب کرد؛ درآمدی که چندین برابر بیش از حقوق ۴۰۰ هزار دلاری سالانه رئیس‌جمهوری آمریکا بود. درآمد اوباما در سال ۲۰۰۹ جدا از حقوق ریاست‌جمهوری، رقمی در حدود پنج میلیون و ۵۰۰ هزار دلار بود که همه این رقم از محل فروش این دو کتاب کسب شده بود. اوباما و همسرش پس از پایان ریاست‌جمهوری، قراردادی به مبلغ بیش از ۶۰ میلیون دلار را با انتشارات پنگوئن امضا کردند تا براساس آن، هر کدام‌شان یک کتاب برای این انتشارات بنویسند. کتاب میشل اوباما سال ۲۰۱۸ با نام «شدن» به بازار آمد و در یک روز بیش از ۷۰۰ هزار نسخه آن فروش رفت. کتاب باراک اوباما نیز روز سه‌شنبه ۱۷ نوامبر (۲۷ آبان ماه) با نام «سرزمین موعود» راهی بازار کتاب شد و در یک روز نزدیک به ۹۰۰ هزار نسخه آن فروش رفت. این کتاب ۷۰۱ صفحه‌ای دارد، ۷ بخش و ۲۷ فصل است و رویدادهای ۸ سال ریاست‌جمهوری اوباما را پوشش داده است. اوباما در جلد نخست این کتاب، علاوه بر روایت کودکی‌اش، به مسائل مهم آمریکا و جهان نیز می‌پردازد. او در این کتاب تا سال ۲۰۱۱ و حمله به محل اختفای اسامه بن لادن در پاکستان جلومی‌آید و باقی‌رویدادها را به جلد دوم این کتاب حواله می‌دهد. در بین تمام مواردی که اوباما در این کتاب تلاش کرده آنرا شرح دهد، روایت‌های او درباره ایران قابل توجه است. او در سرزمین موعود، بیش از ۱۳۱ بار از عبارت «ایران» و ترکیب‌هایی که ایران در آن وجود دارد را به کار برده است.

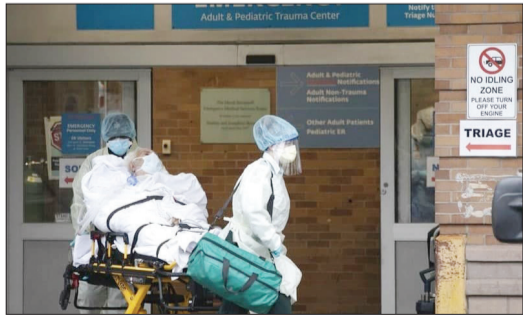
## بوش پنجره دیپلماتیک را بست

یکی از مهم‌ترین نکاتی که اوباما در کتاب خود به آن اشاره کرده، اتفاقات پس از انتخابات سال ۱۳۸۸ در ایران است. آن‌گونه که او نوشته است، اگر اعتراضات موسوم به جنبش سبز در سال ۸۸ در ایران شکل نمی‌گرفت، آمریکا سخت‌ترین تحریم‌ها را علیه ایران اعمال نمی‌کرد و مسیر دیپلماسی را در پیش می‌گرفت آمریکا به قدری برای مذاکره با ایران لحظه‌شماری می‌کرد که حتی در نامه دوم اوباما به رهبر ایران، وی نام اعضای تیم مذاکره‌کننده آمریکایی را نیز به تهران معرفی کرده بود. با این حال اما فتنه ۸۸، همه چیز را تغییر داد و زمینه‌ساز سنگین‌ترین تحریم‌ها علیه ایران شد؛ تحریم‌هایی که پس از خروج آمریکا از برجام، توسط دونالد ترامپ علیه ایران اعمال شدند. اوباما در فصل نوزدهم کتابش به‌صورت ویژه به ایران اشاره می‌کند و می‌نویسد که در سال نخست ریاست‌جمهوری اش درگیر بودن با رهبران سه کشور ایران، روسیه و چین به‌طور مشخص به او نشان داد که چه کار دشواری در پیش دارد. اوباما به ریشه خصوصیت و آمریکا در تاریخ سری می‌زند و با اشاره به اینکه ایران وارث امپراتوری بزرگ ایران باستان، زمانی مرکز مکه و هنر در دوره طلایی اسلام قرون وسطی بود، به حوادث سال ۱۹۵۱ اشاره می‌کند که به گفته او «ایران سکولار یا پارلمانی که تمایل به چپ‌داشت میادین نفتی کشور را ملی و کنترل آن را که زمانی در دست دولت بریتانیا بود، بازپس گرفت.» اوباما به نقش شهاد و واگذاری قراردادهای نفتی به شرکت‌های آمریکایی نیز اشاره کرده و همین‌طور تاریخ را جلو آمده تا به انقلاب اسلامی و رهبری آیت‌الله خامنه‌ای رسیده است. او به تلاش‌های دولت خاتمی برای ذوب شدن یخ روابط دو کشور اشاره می‌کند و می‌نویسد که مقامات آمریکایی پیشنهاد رئیس‌جمهور ایران برای



## بولتون از نقشه ترامپ برده برداشت

جان بولتون مشاور امنیت ملی سابق دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا را به تلاش برای اعمال فشار بر دو قانوگذار جمهوریخواه می‌شکینان که به کاخ سفید احضار شده بودند با هدف مداخله در انتخابات در این ایالت متهم کرد. به گزارش اسپوتنیک، بولتون اظهار کرد، کمپین حقوقی رئیس‌جمهور آمریکا را ارائه‌اسناد و مدرک متقاعدکننده که بتوانند به‌صورت بالقوه نتایج انتخابات ریاست‌جمهوری را برگردانند شکست خورده است. بولتون گفت که ترامپ به دنبال استفاده از برتری خود بر حزب جمهوریخواه با هدف ارعاب اعضای آن است. او گفت: «رئیس‌جمهور آمریکا ممکن است به همین ترتیب دیگر قانونگذاران جمهوریخواه و دیگر جمهوریخواهان در تمام سطوح را به کاخ سفید فریادخواند و آنها باید در برابر این فشار سیاسی مقاومت کنند.» بولتون خاطرنشان کرد: «بیباید رهبران جمهوریخواه در واشنگتن را بر آن دارم تا ایستاده و بگویند، این واقعا غیرقابل قبول است.»



## رکوردشکنی کرونا در آمریکا

شمار مبتلایان به ویروس کرونا در آمریکا با دیگر رکورد زد و کارشناسان هشدار می‌دهند این بیماری به‌صورت گسترده و سریع در حال شیوع است. روز جمعه بیش از ۱۹۵۵۰۰ مورد جدید ابتلا به کرونا در آمریکا ثبت شد که تاکنون سابقه نداشته است. سی‌ان‌ان گزارش داد: تقریباً در تمامی ایالت‌ها زنگ خطر افزایش سریع موارد ابتلا به ویروس کرونا به صدا درآمده و شمار مبتلایان در سرتاسر کشور بسیار سریع‌تر از گذشته افزایش یافته است. از ابتدای ماه نوامبر حدود دو میلیون و هفتصد هزار نفر در سرتاسر آمریکا به ویروس کرونا مبتلا شده‌اند. دیورا بیرکس از اعضای گروه درمورد اقدام کاخ سفید برای مقابله با کرونا به سی‌ان‌ان گفت: «شیوع کرونا سریع‌تر و گسترده‌است و چیزی که باعث نگرانی من می‌شود این است که طولانی‌تر شود. شمار کلی مبتلایان آمریکا حدود ۱۲ میلیون نفر شده است و تعداد قربانیان نیز به بیش از ۲۵۴ هزار نفر رسیده است.»



## زنگ خطر بدترین بحران گرسنگی در یمن

دبیرکل سازمان ملل هشدار داد اگر اقدامات فوری اتخاذ نشود میلیون‌ها یمنی جان خود را از دست می‌دهند. به گزارش روسیا الیوم، آنتونیو گوترش گفت: «یمن در حال حاضر با خطر وقوع بدترین فحطی در جهان از چند دهه گذشته مواجه است. اگر اقدامات فوری اتخاذ شود، میلیون‌ها یمنی احتمالاً جان خود را از دست می‌دهند.» گوترش گفت: «و خامت بحران در یمن به دلیل کاهش زیاد کمک‌های مالی امسال در مقایسه با سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ است که نتیجه نزع مستمر و موانعی است که طرف‌ها ایجاد کرده‌اند. سازمان ملل طی هفته‌های گذشته نیز هشدارهای مشابهی داده بود. برخی مسئولانی می‌گویند دولت دونالد ترامپ قصد دارد انصارالله را در لیست گروه‌های تروریستی قرار دهد. یک دیپلمات غربی اعلام کرد: «اگر انصارالله در لیست تروریسم قرار گیرد عواقب زیادی خواهد داشت و می‌تواند موجب پیچیده‌شدن روند صلح و فعالیت سازمان ملل شود.»



## منابع امنیتی مرگ الظواهری را تأیید کردند

منابع آگاه امنیتی در افغانستان و پاکستان ضمن تأیید مرگ ایمن الظواهری، رهبر القاعده افغانستان گفتند که به احتمال زیادی وی به دلایل طبیعی در گذشته است. به گزارش ایسنا، روزنامه «عرب‌نیوز» به نقل از حد اقل چهار منبع امنیتی در پاکستان و افغانستان کشته‌شدن الظواهری را تأیید کرد و افزود که دو نفر از آنها گفته‌اند الظواهری «درگذشت»، اما آنها غیررسمی صحبت کردند زیرا مجاز به گفت‌وگو و رهبری آیت‌الله خامنه‌ای رسیده است. او به تلاش‌های (۶۹ ساله) آخرین بار در سالگرد حملات ۱۱ سپتامبر امسال در یک پیام ویدئویی ظاهر شد. «این روزنامه خاطرنشان کرد که «در صورت تأیید، احتمالاً خلأ عمیقی در رهبری القاعده ایجاد خواهد شد، زیرا اخیراً دست کم دو رهبر ارشد کشته شده‌اند که احتمالاً در صف جانشینی وی بودند.» سازمان ملل تعداد کل نیروهای القاعده در افغانستان را بین ۴۰۰ تا ۶۰۰ نفر تخمین زده است.